

شبه فروش چه دلاندهای در شین (۱)

نرگس السادات روان فر
دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم حدیث،
گرایش «نهج البلاغه»

پاسخ به شبهه وهابیت درباره حرمت توسل*

چکیده

برآورده شدن نیازهای انسان در این عالم، براساس نظام اسباب و مسببی است. یکی از این اسباب، دعا و توسل است. توسل موجب تقرب نیز می‌شود و در اصطلاح، به معنی استغاثه، طلب دعا و درخواست شفاعت از پیامبر(ص) و صالحان، در دوران حیات برزخی ایشان (از وفات تا قیامت) است که برخی از آن، چون توسل به اسماء و صفات خداوند، قرآن، اعمال صالح و توسل به دعای بندگان شایسته خداوند، نزد همه فرق اسلامی مقبول و برخی چون توسل به باطل و بت‌ها، مردود است. مورد اختلافی میان فرقه وهابیت و دیگر فرق اسلامی، توسل به نبی مکرم اسلام(ص) و صالحان درگاه الهی، در دوران حیات برزخی ایشان است.

در این تحقیق، ابتدا توسل را معنی می‌کنیم. سپس نظر ابن تیمیه، نظریه پرداز حنابله، محمدبن عبدالوهاب، مؤسس وهابیت و در انتها نظر علمای وهابیت کنونی را در این باره بیان می‌کنیم و پس از واکاوی و تبیین انواع توسل، به پاسخ‌گویی شبهه مطرح شده از طریق روایات و تفاسیر مورد قبول وهابیت می‌پردازیم.

◀ کلیدواژه‌ها: توسل، توحید، شرک، وهابیت، سلفیه

درآمد

وهابیت از فرقه‌های [جدید و فاقد هویت] اسلامی است که محمدبن عبدالوهاب آن را تأسیس کرد. مذهبشان حنبلی مطابق تفسیر ابن تیمیه است و بدین جهت زیارت قبور ائمه و اولیا و شفاعت و توسل به آنان را

ناروا می‌شمارند. وهابیت اکنون مذهب رسمی عربستان سعودی است (دایرةالمعارف فارسی، ج ۲: ۳۱۹). ابتدا به بررسی توسل می‌پردازیم و شبهه وهابیت بر توسل را پاسخ می‌دهیم.

توسل

«وسیله» به معنای تقرب و نزدیکی است (قاموس قرآن، ج ۷: ۲۱۸). در نظر خلیل بن احمد فراهیدی، «وسلت الی ربی وسیله» یعنی عملی که موجب نزدیکی به خداوند شود، انجام دادم. ابن منظور نیز تحت ماده «وسل» وسیله را منزلت نزد ملک و درجه و نزدیکی بیان می‌کند.

راغب می‌گوید: «کلمة "وسیله" به معنای رساندن خود با رغبت و میل به چیزی است. خدای تعالی در قرآن کریم فرموده: وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ. حقیقت وسیله به درگاه خدا، مراعات راه خداوند است، به اینکه نخست به احکام او علم پیدا کنی و بعد به بندگی او بپردازی، سپس به مکارم و مستحبات شریعت عمل کنی

و این وسیله، معنایی نظیر معنای کلمه قربت دارد» (المفردات فی غریب القرآن: ۸۷۱).

با توجه به تعاریف ارائه شده، واژه توسل سه معنا دارد:

۱. مقام و منزلت؛

۲. تقرب و نزدیک شدن؛

۳. وسیله‌ای که موجب تقرب می‌شود.

از آیه «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ» (مائده/ ۳۵)، روشن می‌شود که مقام و منزلت، قبل از فراهم آوردن اسباب آن، که یکی از آن‌ها جهاد است، حاصل نمی‌شود. بنابراین، معنای سوم (اتخاذ وسیله برای تقرب) مراد است.

توسل از دیدگاه محمدبن عبدالوهاب

محمدبن عبدالوهاب موارد شرک را برمی‌شمارد و درباره استغاثه و دعا به غیر خدا می‌گوید: «استغاثه و دعا به غیر خدا، شرک است» و برای این ادعای خود به آیات زیر و روایتی از پیامبر استشهد می‌کند:

«وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ * وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ» (یونس/ ۱۰۶ و ۱۰۷).

«فَأَبْتَعُوا عِنْدَ اللَّهِ الرَّزْقَ وَأَعْبُدُوهُ» (عنکبوت/ ۱۷).

«وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (احقاف/ ۵).

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا وَ يَكْشِفُ السُّوءَ» (نمل/ ۶۲).

وی به نقل از طبرانی می‌گوید: «در زمان پیامبر (ص) منافقی بود که مؤمنان را آزار می‌داد. برخی گفتند باید از دست این منافق به پیامبر پناه ببریم اما پیامبر فرمود: به من پناه نبرید، بلکه به خدا پناه ببرید»^۱.

و از این آیات و روایت چنین نتیجه می‌گیرد که:

۱. توسل به غیر خدا، شرک اکبر است.

۲. صالح‌ترین افراد اگر آن را برای رضای غیر خدا انجام دهند، کفر است.

۳. توسلی که مشرکانه است، سودی ندارد.

۴. طلب رزق از غیر خدا، جایز نیست.

۵. هیچ‌کس از کسی که غیر خدا را بخواند، گمراه‌تر نیست.

۶. نام این خواندن، عبادت مدعو (کسی یا چیزی غیر از خداوند که در استغاثه خطاب قرار می‌گیرد) است.

۷. این دعوت، موجب خشم مدعو نسبت به خواننده غیر خدا و دشمنی با او می‌گردد.

۸. مدعو، از چنین عبادتی تبری می‌جوید.

۹. این امور موجب می‌شود او (داعی) گمراه‌ترین مردم باشد.

او آیات زیر را برای اثبات شفاعت می‌آورد:

«قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا» (زمر/ ۴۴).

«مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (بقره/ ۲۵۵).

«وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا

إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى» (نجم/ ۲۶).

«قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ

دَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍَ

وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ» (سبأ/ ۲۲).

وی می‌گوید: «شفاعت در قیامت را همه قبول دارند

اما اختلاف بر سر مسئله شفاعت پیامبر (ص) بعد از مرگ

ایشان است که این شرک است و پیامبر از این خبر داده

است» (فتاوی ائمه النجدیه، ج ۴، ص ۱۱۱: به نقل از: درر

السنیة، ج ۱، ص ۸۵-۸۸).

پس معلوم می‌شود محمدبن عبدالوهاب شفاعت را

قبول دارد و آن را به دو گونه شرک آلود و غیر شرک آلود

تقسیم می‌کند، سپس نوع اول را رد می‌کند. پس تفاوت،

در شرک آلود بودن است، نه حیات و ممات و...!؟

به‌علاوه، او غلو در مورد صالحان را عامل اصلی کفر

برمی‌شمارد و سبب آن را اختلاط حق و باطل می‌داند

و از آن به نادرستی توقف بر قیر برای انجام اعمال صالح

نتیجه گرفته است. به عبارت دیگر، از دیدگاه وی، حرمت

زیارت قبور، فرع بر حرمت توسل به صلحا در دوران حیات

برزخی ایشان است.

توسل از دیدگاه وهابیت کنونی

در سده اخیر وهابیون، که با پول نفت و حمایت‌های

خارجی قدرت بیشتری در خود می‌بینند، بودجه‌های

کلانی صرف تبلیغ می‌کنند. از جمله، مجموعه کتاب‌های

منتشر شده توسط معاونت مطبوعات و پژوهش‌های علمی

وزارت شئون اسلامی، اوقاف، دعوت و ارشاد عربستان

سعودی است که هر ساله در اختیار زائران مسجدالحرام

قرار می‌گیرد. در یکی از این کتب، نویسنده به آیات زیر

استناد می‌کند:

«وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» (بینه/ ۵).
 «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (جن/ ۱۸).
 و می گوید: «جایز نیست که از رسول خدا(ص) برآورده شدن حاجتی یا برطرف شدن غمی را خواستار شویم که این شرک است. زندگی پیامبر(ص) در قبرش، زندگی برزخی است و از جنس حیات قبل از مرگ نیست. آن حیاتی است که کسی جز خداوند کنه و حقیقتش را نمی داند. آنچه بعضی از زوار انجام می دهند، مانند دعا با صدای بلند نزد قبر پیامبر در حالی که دست هایشان را بلند کرده اند، از بدعت های مستحدثه است.» (دلیل الحاج والمعتمر: ۴۹، ۵۰ و ۶۲).

همچنین اللجنة الدائمة للإسلام (مرکز پاسخ گویی به سؤالات شرعی در عربستان) موجبات کفر را بسیار می داند از جمله:

۱. شرک در عبادت. از آن جمله است: خواندن اموات و استغاثه به وسیله آن ها و نذر و قربانی برای اموات (با استناد به آیه ۷۲ سوره مانده).
 ۲. کسی که بین خودش و خدا واسطه قرار دهد و آن وسائط را بخواند، به آن ها توسل کند، از آن ها شفاعت بخواهد و به آن ها توکل کند، کافر است، اجماعاً (دلیل الحاج والمعتمر، ص ۱۰؛ فتاوی ائمة النجديّة، ج ۱: ۱۷۴، به نقل از: الدرر السنية، ج ۱۰: ۹۱، ش ۳۷۸۲).
- البته ما نمی دانیم این اجماع از کجا به دست آمده است؛ در حالی که تنها فرقه ای که این گونه توسل را نمی پذیرند، وهابیان هستند.

یکی از افرادی که در سال های اخیر در تبیین و تبلیغ نظرات و آرای وهابیت بسیار تلاش کرده است، البانی است. وی در میان تمام افرادی که در نشر آرای وهابیت تلاش کرده اند، بیش از دیگران به تدلیل و استناد گفته هایش توجه کرده است که امکان پاسخ گویی علمی را نیز فراهم می آورد.

وی زیارت قبور بقیع، شهدای احد و دیگر اموات مسلمین را برای دعا و استغفار برای آن ها، مستحب می داند، چون پیامبر(ص) به این کار اقدام کرده اند. اما زیارت قبور انبیاء و صالحان را برای طلب حاجت و دعا از آن ها، قسم دادن ایشان برای خدا و یا گمان به فضیلت دعا و نماز در کنار قبور ایشان گمراهی، و شرک و بدعت می داند و در اینجا ادعای اجماع در میان تمامی پیشوایان

اسلامی نموده است! دلیل آن را عمل صحابه بیان می دارد که هنگام زیارت قبر پیامبر(ص) به سلام بر ایشان اکتفا می کردند و برای خودشان دعا نمی نمودند مگر رو به قبله (التوسل انواعه و احکامه: ۴۹-۴۲).

روشن شد که وهابیت کنونی نه تنها توسل را جایز نمی دانند بلکه هرگونه واسطه قرار دادن بین خدا و بنده را شرک، بدعت و کفر و موجب مهدورالدم شدن می دانند؛ چرا که واسطه قرار دادن را نوعی عبادت می دانند و از دیدگاه آن ها سلف صالح هیچ یک از این اعمال را انجام نمی دادند و این اعمال مستحدثه است.

انواع توسل

توسل اقسامی دارد که همه فرق اسلامی بخشی از آن را پذیرفته اند و بخش دیگری را مردود می دانند.

اقسام توسل مورد قبول همه:

• توسل به اسما و صفات خدا

یکی از اقسام توسل، خواندن خداوند به اسما و صفات است که در ادعیه اهل بیت (علیهم السلام) به وفور به چشم می خورد. حدیثی را از مسند احمد بن حنبل نقل می کنیم. در حدیث محجن بن الأدرع آمده است: رسول خدا(ص) وارد مسجد شد و دید مردی که نمازش را خوانده بود می گوید: «اللهم انی أسئلك بالله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً أحد، أن تغفر لی ذنوبی انک أنت الغفور الرحیم» (مسند احمد، ج ۴: ۳۳۸).

• توسل به قرآن

درباره توسل به قرآن، یک نمونه می آوریم: طبرانی از عمران بن حصین از رسول الله(ص) روایت می کند: «اقرأوا القرآن واسئلو الله به قبل أن یأتی قوم یسئلون الناس به؛ قرآن را بخوانید و از خدا به وسیله آن سؤال کنید، پیش از آنکه گروهی بیایند و به وسیله آن از مردم سؤال کنند» (المعجم الكبير، ج ۱۸: ۱۶۷؛ وهابیت، مبانی فکری و کارنامه عملی: ۲۳۰، به نقل از: مسند احمد، ج ۴: ۴۴۵).

• توسل به اعمال صالح

در آیات و روایات است که انسان می تواند برای رسیدن به خواسته های یا دفع ضرری، به اعمال خالصی که برای خداوند انجام داده است، متوسل شود. مانند این آیه که می فرماید:

«الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (آل عمران/ ۱۶).

آیه درخواست غفران و حفظ از عذاب را بعد از مجرد ایمان بیان کرده است، پس دلالت می‌کند بر اینکه مغفرت بر ایمان مترتب می‌شود (البحر المحيط فی التفسیر، ج ۳: ۵۶؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۲: ۹۹؛ أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۲) و در نتیجه، طلب غفران صابران با توسل به ایمانشان است.

روایات نیز به وضوح بر توسل به اعمال صالح دلالت می‌کنند. مانند حدیث غار که از طرق متعدد توسط فریقین نقل شده است که نافع از ابن عمر از رسول الله (ص) روایت می‌کند:

در گذشته، سه نفر هنگام باران به غاری پناه بردند. بر اثر ریزش باران، صخره عظیمی دهانه غار را بست. یکی از آنان گفت: بیایید هر یک از ما از خداوند به حرمت و برکت عمل صالحی که انجام داده‌ایم درخواست فرج کنیم.

یکی از آنها گفت: «خداوندا! تو خودت می‌دانی که من فردی را اجیر کرده بودم تا در برابر نیم درهم برای من کار کند. او رفت و من به عمد به سراغش نرفتم. با آن پول کشت و کار کردم و از سود آن گاوی خریدم. سپس او آمد و مزدش را خواست. به او گفتم آن گاو را بردار که آن سود آن نیم درهم است. همانا تو می‌دانی که من این کار را از ترس تو انجام دادم. پس برای ما گشایش بفرست.» در این هنگام، صخره کمی عقب رفت.

دیگری گفت: «خداوندا! من پدر و مادر پیری داشتم و هر شب شیر گوسفندم را برایشان می‌آوردم. شبی هنگامی که شیر آوردم، هر دو خواب بودند؛ در حالی که همسر و فرزندانم گرسنه بودند. لذا به‌همین حالت ایستادم تا صبح که آنها بیدار شدند. پس اگر از اینکه این اعمال را برای رضای تو انجام داده‌ام آگاهی، ما را نجات بده.» در این هنگام، صخره از در غار کنار رفت تا توانستند آسمان را ببینند

در این هنگام دیگری گفت: «خدایا! تو می‌دانی من دختر عمویی داشتم که از همه کس برای من عزیزتر بود اما به یاد آتش دوزخ او را ترک کردم. خدایا، اگر من این کار را برای تو انجام داده‌ام، ما را نجات بده.» پس صخره کنار رفت و نجات یافتند (صحیح البخاری، ج ۴: ۱۴۸-۱۴۷).

این حدیث، نه تنها بر جواز توسل به اعمال دلالت دارد بلکه به مستجاب‌بودن چنین توسلی نیز رهنمون می‌شود.

در شماره آتی مباحثی چون توسل به بندگان شایسته، توسل به حضرت محمد (ص)، بررسی اینکه توسل توحید است یا شرک و اصولاً آیا خواندن غیر خدا پرستش اوست، مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در انتها به شبهه مطرح شده از طریق روایات و تفاسیر مورد قبول وهابیت، پاسخ خواهیم داد.

پی‌نوشت

* مقاله برگزیده دومین همایش «حدیث پژوهش».

۱. با وجود جست‌وجوی انجام شده، این روایت در هیچ یک از کتب طبرانی، یافت نشد اما متقی هندی در کنز العمال (ج ۱۰: ص ۳۷۳) از جامع‌الکبیر طبرانی، و هیثمی در مجمع‌الزوائد (ج ۱۰: ۱۵۹) این روایت را از طبرانی نقل می‌کنند. هیثمی می‌گوید: «رجال این حدیث، غیر از ابن لهیعة که حسن‌الحدیث است بقیه صحیح هستند». و احمد بن حنبل با سیاق دیگری همین روایت را نقل می‌کند و می‌گوید: «... فقال رسول الله (ص): لا یقال لی أنما یقام لله تبارک و تعالی» (مسند احمد، ج ۵: ۳۱۷). از این نقل قول‌ها می‌توان دریافت که احتمالاً این روایت در نسخ دیگر طبرانی وجود داشته است.

۲. عباس حسن، در کتاب نحو الوافی (ج ۳، ص ۴۶۴) می‌گوید: «فاء در بسیاری از موارد علاوه بر ترتیب و تعقیب، دلالت بر سببیت نیز می‌کند؛ به این صورت که معطوف، مسبب معطوف علیه است و این غالباً در دو صورت روی می‌دهد: عطف جمله و معطوف، مشتق یا جواب شرط مقدر باشد.

منبع

حدیث اندیشه، شماره ۱۰ و ۱۱

مشروح در

[HTTP://ROSHDMAG.IR/WEBLOG/MAAREFESLAMI](http://roshdmag.ir/weblog/maarefeslami)

